

بیانات در دیدار هزاران نفر از کارگران - 20 / اردیبهشت / 1404

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. جلسه‌ی حضور هر سال کارگران عزیز در حسینیّه، برای بنده یک جلسه‌ی مهمّی است. مسائل مربوط به کار و کارگری با سرنوشت کشور سروکار دارد. من اوّلاً تبریک عرض کنم میلاد باسعادت حضرت ابي الحسن الرضا (سلام الله عليه) را و به فال نیک بگیرییم هم‌زمانی این جلسه را با این ولادت شریف. همچنین یاد کنم از شهید عزیزمان، شهید رئیسی که به مسائل مردم، و از جمله بخصوص به مسائل کارگران اهمّیت میداد و دنبال میکرد.

مطالبی که آقای وزیر اینجا گفتند، همه مطالب درستی بود؛ یعنی خلأهایی که وجود دارد، نیازهایی که هست، کارهایی که باید بشود - که ایشان اینجا یکی‌یکی شمردند - اینها همه درست است. من تنها نکته‌ای که توجّه میدهم، این است که خود ایشان و وزارتخانه و بعضی بخشهای دیگر دولت بدانند که مخاطب این حرفها خودشان هستند. من از صمیم دل دعا میکنم که خدای متعال کمک کند به آنها، توفیق بدهد بتوانند این کارها را انجام بدهند. اگر همّت کنند و تصمیم بگیرند، میتوانند.

درباره‌ی مسائل کارگری، خیلی از حرفهای لازم زده شده؛ البته کارهای خوبی هم انجام گرفته، لکن روی بعضی از نقاط باید تأکید کرد؛ ولو تکراری هم هست، باید تکرار کرد. من چند نکته را یادداشت کرده‌ام که عرض میکنم.

مطلب اوّل در مورد ارزش‌گذاری است. مخاطب این بخش - ارزش‌گذاری کارگر و ارزش‌گذاری کار - در درجه‌ی اوّل، خود شما کارگرا هستيد، برای اینکه قدر خودتان را بدانید و بدانید آنچه دارید انجام میدهید، در واقع کجای مجموعه‌ی آفرینش، مجموعه‌ی جامعه، مجموعه‌ی خواسته‌های معنوی و ارزشهای دینی را پُر میکند.

یک موضوع، موضوع ارزش کارگر است؛ کارگر نه به حیث کارش، [بلکه] به حیث انسانیتش. کارگر دو خصوصیت مهم دارد که این دو خصوصیت، هر کدام یک حسنه است پیش خدای متعال: اوّل اینکه سعی میکند نان حلال را و رزق زندگی را با نیروی خودش به دست بیاورد؛ کلّ (۲) بر دیگران نمیشود، مفت‌خوری نمیکند، چپاولگری نمیکند، از مال دیگران به سمت خودش نمیکشد؛ با نیروی خودش [نان به دست می‌آورد] - نیروی کار، انواع کارگرا؛ هر کدام به نحوی - که این یک حسنه است، این یک کار مهم است؛ انسان باید این جور زندگی کند؛ این الگو است برای زندگی هر انسانی، که متکی به خود، متکی به نیروی خود، زندگی را این جور بگذراند. این یک خصوصیت.

خصوصیت دوّم که آن هم حسنه‌ی مهمّی است، این است که کارگر نیازهای دیگران را برآورده میکند. شما برای مردم مصنوعات صنعتی، کشاورزی، خدماتی تولید میکنید، در اختیار آنها میگذارید؛ یعنی به زندگی دیگران دارید کمک میکنید. از لحاظ انسانی این دو نقطه بسیار باارزش است، حسنه است. اگر فرض بفرمایید ما بخواهیم ارزش‌گذاری کنیم، کسی هست که اهل عبادت و مانند اینها است منتها برای زندگی خودش و بقای خودش هیچ گونه تلاشی انجام نمیدهد، کارگر که تلاش میکند، کار میکند، از او افضل است. این ارزش‌گذاری است. این مربوط به کارگر به حیث کارگری، به حیث انسانی.

و اما ارزش‌گذاری کار؛ این خیلی مهم است؛ این خیلی برجسته است. کار یک ستون اصلی اداره‌ی زندگی بشر است. اگر کار نباشد، زندگی بشر فلج می‌شود. سرمایه مسلماً تأثیر دارد، علم مسلماً تأثیر دارد، اما سرمایه و علم بدون نیروی کننده، بدون کارگر به هیچ کار نمی‌آید و هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود. کارگر روح می‌دهد به جسم سرمایه. ما گفتیم [شعار] امسال «سرمایه‌گذاری برای تولید»؛ خیلی خوب، مهم‌ترین سرمایه، کارگر است. سرمایه‌گذاری بکنند اما توجه داشته باشند که این سرمایه‌گذاری مالی، بدون اراده‌ی کارگر، بدون توانایی‌های کارگر، بدون خواست کارگر به جایی نخواهد رسید. نقش کار این است: یکی از ستونهای اصلی قوام و دوام جامعه است. برای همین هم هست که شما می‌بینید دشمنان هر جامعه‌ای از جمله دشمنان جمهوری اسلامی از اوّل انقلاب تا امروز تلاش داشتند که بلکه بتوانند جامعه‌ی کارگری را از کار در فضای جمهوری اسلامی منصرف کنند، معترض کنند؛ از روز اوّل. بنده خاطره دارم در این زمینه که حالا جای گفتنش نیست. حالا آن روز کمونیست‌ها بودند، مارکسیست‌ها بودند که دنبال این بودند محیط‌های کارگری را قبضه کنند، در اختیار خودشان بگیرند، بعد ناگهان یک بخش را بکلی تعطیل کنند، فلج [بشود]. هر بخش را که تعطیل میکردند فلج بود؛ امروز هم همان انگیزه وجود دارد؛ آن روز کمونیست‌ها این کار را میکردند، امروز عوامل سیا و موساد این کار را میکنند. البته هم آن روز، هم امروز کارگرهای ما محکم ایستاده‌اند و با مشت محکم به دهان طرفها کوبیده‌اند.

خب، عرض کردیم که مهم‌ترین سرمایه، کارگر است؛ یعنی تأثیر کارگر از پول و از تحقیقات علمی و مانند اینها بیشتر است. «ما با این سرمایه چه کنیم؟»؛ این شروع وظایفی است که در قبال کارگران وجود دارد. یک بخشی از این وظیفه ممکن است به عهده‌ی بنده‌ی حقیر باشد، بخشی به عهده‌ی وزیر باشد، بخشی به عهده‌ی صاحب سرمایه و کارآفرین باشد، بخشی به عهده‌ی عموم مردم باشد، بخشی به عهده‌ی مطبوعات باشد. بالاخره در قبال کارگر وظایفی وجود دارد.

کارگر برای اینکه بتواند درست کار بکند، هم بتواند کار را خوب از آب دریاورد و به دیگران کمک برساند، هم بتواند خودش سرپا بایستد، نیازهایی دارد؛ یکی از این نیازها امنیت شغلی است؛ یکی از این نیازها ایمنی بدنی است؛ این حوادثی که گاهی اتفاق می‌افتد برای کارگرها، اینها عمیقاً انسان را ناراحت میکند؛ اینها ضربه است؛ [یک نیاز]، ایمنی است. یکی از این نیازها برطرف کردن دغدغه‌های معیشتی است؛ یعنی این کارها باید انجام بگیرد. خب حالا من به بعضی از اینها با اشاره عرض میکنم و عبور میکنم.

اوّلین موضوع، امنیت شغلی است. کارگر باید بداند که سر این شغل خواهد بود، تا بتواند برنامه‌ریزی کند؛ دغدغه نداشته باشد که حالا تا کی، تا چند [وقت هست]؛ ادامه‌ی شغل او منوط و وابسته‌ی به اراده‌ی دیگری نباشد؛ امنیت شغلی یعنی این. باید این امنیت را تأمین کرد. در یک دوره‌ای چند سال قبل از این، به بهانه‌های گوناگون کارخانه‌های متعددی تعطیل شد؛ این خب ضدّ امنیت شغلی است. گاهی گزارش می‌آمد که فلان کارخانه تعطیل شد؛ میپرسیدیم چرا؟ میگفتیم چرا؟ بهانه می‌آوردند که موادّ اوّلیه نیست، ماشین‌ها فرسوده است و مانند اینها؛ البته اینها هست لکن اینها علاج دارد؛ باید علاج کنند. کارخانه را نباید تعطیل کنند.

یک مواردی، که من قبلاً هم اشاره کرده‌ام، (۳) تعطیل کارخانه‌ها یک حرکت خائنانه بود؛ برای این بود که این زمین ارزش بالایی پیدا کرده بود، ماشین‌ها را یک جوری بفروشنند، کارگرها را یک جوری بازخرید کنند، از زمین استفاده‌ی بیشتری بکنند برای پول! برای پول، برای اطماع شخصی این کار را میکردند. اینجا، هم دستگاه‌های نظارتی، هم دستگاه قضائی باید مراقبت کنند؛ [این] یکی از کارهای اساسی و مهم است. دستگاه‌های دولتی هم که خب وظیفه دارند؛ چه وزارت کار، چه بعضی از دستگاه‌های دیگر؛ باید جلوی این گرفته بشود. لذا طبق آماری که به ما دادند، در دولت شهید رئیسی هشت هزار کارخانه را به کار برگرداندند؛ پس میشود. پس میشود کارخانه‌ی

تعطیل شده را یا کارخانه‌ای را که با یک سوّم ظرفیت، یک چهارم ظرفیت کار میکند، به کار برگرداند. یکی از افتخارات آن شهید عزیز همین بود؛ با بنده هم شاید مکرّر این را در میان گذاشته بود. بنابراین یک [مسئله]، مسئله‌ی امنیت شغلی است.

در کنار این امنیت شغلی، این را هم به شما عرض بکنم: ببینید! امنیت شغلی کارگر، ملازم و همراه است با امنیت شغلی کارآفرین؛ یعنی او هم باید امنیت شغلی داشته باشد. ما جوری رفتار نکنیم که او احساس کند سرمایه‌گذاری‌اش و حفظ سرمایه‌اش به ضرر او تمام میشود؛ یعنی او هم باید امنیت شغلی داشته باشد. کار درست این است، سیاست درست این است که بتوانیم کاری کنیم، هم جنبه‌ی امنیت شغلی در کارگر محفوظ بماند، هم در آن طرف محفوظ بماند.

موضوع دوّمی که برای دستگاه کارگری لازم است و من یادداشت کرده‌ام، مسئله‌ی «مهارت‌افزایی» است. یکی از کارهایی که ما باید انجام بدهیم، این است که تلاش کنیم کارگر ما، کارگری ماهر بشود. اگر چنانچه کارگر، در کار ماهر بشود، کار بهتر، مرغوب‌تر، برجسته‌تر تولید خواهد شد، به دست خواهد آمد که طبعاً، به نفع سازنده است، به نفع کارگر است، به نفع جامعه است؛ به نفع همه است. این یکی از [مسائل] مهم است. حالا ما برای مسئله‌ی مهارت‌آموزی، دستگاه هم داریم. حالا الان در [بین] راه وزیر محترم هم به من گفتند، بنده هم اطلاع دارم؛ آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، یک زمینه‌ی بسیار خوبی است. کسانی هستند از جوانهای ما، بلکه نوجوان‌های ما که مسیر تحصیلات دانشگاهی را بر این مسیر حرفه‌آموزی و فن‌آموزی ترجیح نمیدهند و در اینجا کار میکنند. اینها بهترین کارگرانند؛ بهترین کسانی هستند که میتوانند به کشور خدمت کنند، به خودشان خدمت کنند، سطح زندگی خودشان را بالا ببرند، سطح زندگی مردم را هم بالا ببرند. ما این امکان را داریم. البته در کنار آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای – که مهم است و بنده بارها تأکید کرده‌ام – خود شرکتهای بزرگ هم میتوانند در حاشیه‌ی کار خودشان، یک دستگاه‌هایی برای افزایش مهارت ایجاد کنند؛ این هم میشود. [این] از کارهایی است که باید انجام بگیرد؛ شرکتهای بزرگ میتوانند این کار را انجام بدهند. دوره بگذارند؛ دوره‌های موقت بگذارند، مهارتهای لازم را به کارگران بدهند تا بتوانند کار را بهتر و با مهارت بیشتری انجام بدهند.

یک مسئله‌ی دیگر – همین‌طور که اشاره کردیم – مسئله‌ی ایمنی کارگر است؛ ایمنی بدن کارگر. حالا البته خبرهای اسفبار معادن را در این دو سه ساله شنیدیم، اما فقط آنجا نیست، در جاهای دیگر هم به من گزارش شده؛ در کارخانه‌های دیگر هم مسئله‌ی ایمنی، مسئله‌ی بسیار مهمی است. بایستی مراقبت بشود، و از لحاظ تأمین اجتماعی، از لحاظ رعایت‌های فنی جوری رفتار بشود که ایمنی کارگران تأمین بشود.

یک قلم مهم در مورد حمایت از کارگران، مسئله‌ی مصرف تولیدات داخلی است که بنده چند سال است روی این دارم تکیه میکنم، تأکید میکنم، (۴) در برنامه‌ی ششم (۵) [هم] آمد. البته بعضی‌ها درست عمل نکردند، اما تا آن مقداری که عمل شد مفید بود. وقتی این جنسی که ما میخریم، جنسی است که در داخل تولید شده، در واقع داریم کمک میکنیم به کارگر داخلی و به سرمایه‌گذار داخلی. همین جنس وقتی در داخل وجود دارد و ما نوع خارجی آن را انتخاب میکنیم و میخریم، معنایش این است که داریم کمک میکنیم به کارگر آن کشور، به سرمایه‌گذار آن کشور، او را ترجیح میدهیم بر کارگر خودمان. این انصاف است؟ این انسانیت است؟

البته بهانه‌هایی وجود دارد؛ مثلاً کیفیت تولید داخلی چنین است، چنان است؛ نه، در یک مواردی کیفیت تولید داخلی هم خیلی خوب است. ما الان در برخی از اجناس و وسایل مربوط به زندگی داخل منزل و دیگر چیزها، کیفیت محصولاتمان از خارج اگر بهتر نباشد، کمتر نیست. این را فرهنگ کنیم، به عنوان یک فرهنگ رایج؛ ایرانی وظیفه‌ی

خودش بداند که جنس ایرانی مصرف کند، مگر آن جایی که در داخل تولیدش نیست. [استفاده از] آن چیزی که در داخل تولید میشود، همه وظیفه‌ی خودشان بدانند؛ این را فرهنگ کنیم.

من شنیدم اخیراً یکی از دستگاه‌ها اعلام کرده که ممنوعیت ورود محصولات دارای مشابه داخلی برداشته شد. چرا برداشته بشود؟ آن چیزی را که در داخل تولید میشود ترویج کنید؛ اگر کیفیتش خوب نیست، سعی کنید روی کیفیت کار بشود. بنده اینجا چند سال قبل از این راجع به خودرو – که میگفتند مصرف بنزین خودروهای داخلی زیاد است – گفتم (۶) اگر در حال محاصره‌ی اقتصادی و محاصره‌ی علمی که صاحبان دانش در دنیا درها را به روی دانشمندان ایرانی و دانشجوی ایرانی میبندند، دانشمندان ایرانی می‌آید کارهای بزرگی را انجام میدهد، اگر جوان ایرانی میتواند آن جور موشکی تولید کند، آن جور سلاحی تولید کند، آن جور محصولی تولید کند که دشمنش تعجب میکند و میگوید من به احترام این کار بلند میشوم می‌ایستم، (۷) خب میتواند خودرویی هم تولید کند که مصرفش کمتر باشد، تولیدش بهتر باشد. روی این کار کنیم، روی این تکیه کنیم. آنچه آسان‌تر است، این است که بگوییم «خیلی خب، راه را باز کنیم تا از خارج، داخل بشود»؛ این به ضرر کشور است، این به ضرر جامعه‌ی کارگری است، این به ضرر کل کشور است. بنابراین، یک قلم مهم حمایت از کارگر همین است که ما تولید داخلی را مصرف کنیم و این را یک فرهنگ قرار بدهیم.

یکی از کارهای مهم که به نظر من احتیاج دارد به یک برنامه‌ریزی جامع و کامل از سوی مسئولین و خیلی به نفع کارگر است – هم به نفع کارگر است، هم به نفع کارفرما است – این است که کارگر در سود حاصل از تولید شریک بشود. اگر کارگر احساس کند که هرچه سود این جنس بیشتر بشود، سود او هم بیشتر خواهد شد، انگیزه پیدا میکند برای اینکه کار را بهتر از آب دریاورد؛ یعنی این به کارگر انگیزه میدهد، کار را بهتر، کامل‌تر، تمیزتر از آب درمی‌آورد؛ میشود مصداق همان روایتی که من بارها تکرار کرده‌ام: رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَتْهُ؛ (۸) کار متقن، کار خوب. امروز در دنیا بعضی از کارخانه‌جاتی که یک محصولی را تولید میکنند، روی محصولشان تاریخ ایجاد این کارخانه را مینویسند؛ افتخار میکنند که صد سال پیش این کارخانه راه افتاده. اینکه یک دستگاه تولیدی بتواند – حالا ما تولید صنعتی را مثال زدیم، بقیه‌ی تولیدی‌ها هم مثل تولید صنعتی‌اند؛ بعضی از خدمات [هم] همین‌طور – جوری عمل بکند که صد سال مشتری داشته باشد و افتخار بکند، این بهترین کار است. این با شرکت کارگران در سود کارخانه به دست می‌آید. یکی از کارهای مهم، این است.

یک نکته‌ی برجسته‌ی دیگر هم – که ایشان (۹) اشاره کردند – مسئله‌ی مسکن کارگری است. اگر کارگاه‌های بزرگ با تعاونی‌های مسکن کارگری – اگر چنین تعاونی‌ای وجود دارد، در جاهایی که وجود دارد – همکاری کنند، این بیشترین کمک به کارگر است. اگر تعاونی وجود ندارد، میتوانند تعاونی را ایجاد کنند، به ایجاد تعاونی کمک کنند یا میتوانند خانه‌های سازمانی را در کنار کارخانه‌های بزرگ به وجود بیاورند که دغدغه‌ی مسکن، که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها است از بین برود، خیالشان راحت باشد از این جهت. یکی از مهم‌ترین کمکهایی که به کارگران میشود کرد، این است.

یک موضوع دیگری که من اینجا یادداشت کرده‌ام عرض کنم، مسئله‌ی فرهنگ محیط کار است. ببینید، در فلسفه‌ی مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها محیط کار محیط تضاد است، محیط دشمنی است؛ یعنی کارگر بایستی با آن صاحب کارخانه دشمن باشد؛ فلسفه این است. مجموعه‌ی حرکت جامعه حرکت ضدیت با یکدیگر و تضاد است. به نظر آنها حکم تضاد در [طول] تاریخ، در مسائل اجتماعی، در مسئله‌ی سیاست، در مسئله‌ی اقتصاد جاری است؛ سالهای متمادی مردم را معطل این فکر غلط کردند؛ هم خودشان را بدبخت کردند، هم بسیاری از مردم دنیا را بدبخت کردند. اسلام درست نقطه‌ی مقابل این را میگوید.

اسلام محیط زندگی را، محیط کار را، محیط ائتلاف و همراهی و همفکری میداند. آنهایی که اهل دنبال‌گیری و تحقیق در قرآن هستند، تعبیر «زوجیت» را، کلمه‌ی «زوج» را، «زوجیت» را در قرآن دنبال کنند: سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْنِي الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ؛ (۱۰) یعنی در همه چیز عالم مسئله‌ی همراهی، همدلی، همکاری، هم‌افزایی وجود دارد. راجع به محیط کار هم همین‌جور است؛ باید هم‌افزایی بشود؛ بایستی از دو طرف صمیمانه، نه [فقط] با زبان، به یکدیگر کمک کنند.

یک نکته‌ی آخر هم این است که ما وقتی که راجع به کارگر صحبت میکنیم، فقط کارگر صنعتی مورد نظر نباشد؛ کارگر ساختمانی، کارگر مزرعه، کارگر میدان تره‌بار، بانوان کارگر که داخل خانه مشغول کارگری هستند و کار میکنند، که امروز به برکت این وسایل ارتباطی و مانند اینها، خیلی‌ها در خانه کار میکنند و بهره میبرند و سود میبرند؛ از لحاظ تأمین اجتماعی، از لحاظ چیزهای گوناگون اینها هم مورد توجه باشند.

یک جمله عرض بکنم راجع به سیاستهای مغرضانه‌ای که امروز در دنیا علیه ملت‌ها به کار میرود. سعی میشود مسائل مربوط به فلسطین به فراموشی سپرده بشود؛ ملت‌های مسلمان نباید اجازه بدهند؛ نباید اجازه بدهند. با شایعه‌های گوناگون، با حرف‌های گوناگون، با پیش آوردن مسائل جدید، حرف‌های جدید بی‌ربط و بی‌معنی سعی میکنند ذهن‌ها را از مسئله‌ی فلسطین منحرف کنند. ذهن‌ها نباید از مسئله‌ی فلسطین منحرف بشود. جنایتی که رژیم صهیونیستی در غزه، در فلسطین انجام میدهد، چیزی نیست که قابل صرف نظر کردن باشد؛ همه‌ی دنیا باید در مقابلش بایستند؛ هم در مقابل خود رژیم صهیونیستی بایستند، هم در مقابل حامیان رژیم صهیونیستی بایستند؛ (۱۱) بله، تشخیص شما تشخیص درستی است؛ آمریکایی‌ها به معنای واقعی کلمه حمایت میکنند. حالا در عالم سیاست حرف‌هایی زده میشود، چیزهایی گفته میشود که ممکن است خلاف این را به ذهن‌ها متبادر کند اما واقعیت قضیه این نیست.

واقعیت این است که ملت مظلوم فلسطین، مردم مظلوم غزه امروز فقط با رژیم صهیونیستی روبه‌رو نیستند؛ با آمریکا روبه‌رویند، با انگلیس روبه‌رویند؛ آنها هستند که این جنایتکار را این‌جور تقویت میکنند، و الا وظیفه‌ی آنها این بود که جلوی این را بگیرند. شما بهشان سلاح دادید، شما بهشان امکانات دادید؛ هر وقت کم می‌آوردند، از شما دارند استفاده میکنند و بهشان از طرف شما کمک میشود. حالا که می‌بینید دارند جنایت میکنند؛ این همه قتل، این همه کشتار، این همه جنایت! باید در مقابلشان بایستند. وظیفه‌ی آمریکا این است که جلوی این جنایت را بگیرد؛ نه فقط این کار را نمیکند، بلکه کمک هم میکنند. بنابراین دنیا باید، هم در مقابل رژیم صهیونیستی، هم در مقابل کمک کنندگانش – از جمله آمریکا – به معنای واقعی کلمه بایستند. بعضی از شعارها و بعضی از حرف‌ها و بعضی از حوادث گذرا نبایستی مانع بشود از فراموش شدن مسئله‌ی فلسطین.

البته بنده عقیده‌ام این است که به توفیق الهی، به عزت و جلال الهی، فلسطین بر اشغالگران صهیونیست پیروز خواهد شد؛ این کار اتفاق خواهد افتاد. باطل جَولانی دارد، چند روزی جلوه‌ای میکند لکن رفتنی است؛ قطعاً خواهد رفت؛ در این تردیدی نیست. این ظواهری که مشاهده میشود، حالا کارهایی میکنند و پیشرفتهایی در سوریه و در جاهای دیگر انجام میدهند، این دلیل قوت نیست بلکه نشانه‌ی ضعف است و موجب ضعف بیشتر هم خواهد شد؛ ان شاء الله. امیدواریم ملت ایران و ملت‌های مؤمن، این روز – روز پیروزی فلسطین بر مهاجمین و بر غاصبان فلسطین – را ان شاء الله به چشم خودشان مشاهده کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، دکتر احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) مطالبی بیان کرد.

- (۲) سربار
- (۳) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۷/۶/۷)
- (۴) از جمله، بیانات در دیدار کارگران (۱۴۰۱/۲/۱۹)
- (۵) سیاستهای کلی برنامه‌ی ششم توسعه (۱۳۹۴/۴/۹)
- (۶) بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی (۱۳۹۹/۲/۱۷)
- (۷) اشاره به سخنان یوزی رابین (رئیس اسبق سازمان دفاع موشکی رژیم صهیونیستی) در سال ۲۰۱۵ که گفته بود به احترام مهندسانی که این موشکها را تولید کرده‌اند، کلاه از سر برمیدارم.
- (۸) مسائل علی‌بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۹۳ (با اندکی تفاوت)
- (۹) وزیر کار و امور اجتماعی
- (۱۰) سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۶ ؛ «پاک [خدایی] که از آنچه زمین میرویانند و نیز از خودشان و از آنچه نمیدانند، همه را
نر و ماده گردانیده است.»
- (۱۱) شعار «مرگ بر آمریکا»ی حضار